



تادیب الرجال

Male's discipline

Alonso discipline response to a misogynist

پاسـخ به
تادیب النساء
زن ستیز



• به کوشش •

شقایق فتحعلی زاده
رقیّه آقابالا زاده

آداب تادیب الرجال

(پانچ بہ تادیب النساء زن ستیر)

بہ کوشش

شعایق فتحعلی زاده

و

رقیہ آقا بالازادہ سللو

عنوان و نام پدیدآور	:	تأدیبالرجال (پاسخ به تأدیبالنساء زن‌ستیز) / مولف ناشناخته؛ به کوشش شقایق فتحعلی‌زاده، رقیه آقابالازاده؛ به سفارش موسسه و انتشارات ندای تاریخ.
مشخصات نشر	:	تهران: ندای تاریخ، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۸۳ ص
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۹۴۵۳۸-۸-۷
وضعیت فهرست‌ویسی	:	فیا
شناسه افزوده	:	فتحعلی‌زاده، شقایق، ۱۳۶۳، گردآورنده، آقابالازاده، رقیه، ۱۳۶۱، گردآورنده
رده بندی کنگره	:	HQ ۱۷۳۵/۱۳۹۵۲: ۲-ت
رده بندی دیویی	:	۴۲۰۹۵۵/۳۰۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۳۰۵۸۷۷



عنوان کتاب

تأدیبالرجال (پاسخ به تأدیبالنساء زن‌ستیز)

پدیدآورنده: شقایق فتحعلی‌زاده، رقیه آقابالازاده
 حروفچینی، صفحه آرایی و نظارت: موسسه و انتشارات ندای تاریخ
 چاپ و صحافی: مؤسسه بوستان کتاب ۵-۱۱۱۴-۳۶۶۶-۲۵
 طراح جلد: امیرحسین آقاجانی (نقاشی جلد از تکتم آقابالازاده)
 چاپ اول: ۱۳۹۶
 تیراژ: ۱۰۰۰
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۵۳۸-۸-۷
 قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال
 حق چاپ محفوظ و در اختیار موسسه و انتشارات ندای تاریخ است.

فهرست مطالب

مقدمه

- ۷ نگرشی کوتاه به زندگی زنان در دوره قاجار
۹ ضرورت بررسی نوشتار «معايب الرجال» و «تأديب النساء»

معرفی نسخه

- ۱۳
۱۷ روش تصحيح
۱۹ مشخصات نسخه

تأديب النساء

- ۲۱ مقدمه
۲۳ فصل اول
۲۸ فصل دوم
۳۱ فصل سوم
۳۴ فصل چهارم
۳۶ فصل پنجم
۳۷ فصل ششم
۴۱ فصل هفتم
۴۲ فصل هشتم
۴۴ فصل نهم
۴۹ فصل دهم
۵۶

تأديب الرجال

- ۶۱ منابع و مآخذ مقدمه
۷۹

نگرشی کوتاه به زندگی زنان در دوره قاجار

حکومت مستبد پادشاهی در طول تاریخ اثرات منفی و زیانباری بر زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان گذاشته بود. اعمال یکجانبه قدرت و پاسخگو نبودن حاکمان در قبال اقدامات و کارهای خودسرانه و بی قید و بند، انزجار و سیاست گریزی را در میان توده‌های مردم فراهم آورد. نگرش و شیوه حکومت پدسالاری و بازتاب آن بر حوزه اجتماعی جامعه، زنان را بیشتر از مردان در رنج و مشقت قرار می‌داد. اگر مردان اجازه ورود و مشارکت در حوزه سیاسی را نداشتند، در عوض در حوزه اجتماع راحت‌تر و آسان‌تر می‌توانستند به اقدامات گروهی و جمعی دست بزنند، اما زنان نه تنها در حوزه سیاسی بلکه در حوزه اجتماعی هم برای تحقق مطالبات زنانه خود محدودیت‌هایی داشتند. در این جامعه، زنان به عنوان طبقه‌ای پر تعداد، از بیشترین آسیب‌های اجتماعی مانند ناامنی، جنگ و خطر تعرض رنج می‌بردند و جایگاه اجتماعی آنان کاملاً به جایگاه اجتماعی پدران و همسرانشان وابسته بود. در این روند سستی شغل اصلی زنان ازدواج و تولیدمثل بود؛ از این رو زنانی که در این دو نقش ناموفق بودند با عناوینی چون «ترشیده» و «اجاق کور» تعریف می‌شدند. آنان از قدرت انتخاب برخوردار نبودند. همسر آینده نه بر اساس عشق و علائق مشترک، که معمولاً با حساب و کتاب‌های معین خانواده‌گی، اجتماعی، مالی و گاه سیاسی از سوی بزرگان خانواده برگزیده می‌شد.^۱ سر جان ملکم انگلیسی که در دوره فتحعلی شاه به ایران آمده است درباره جایگاه زن در میان طبقات بالای جامعه دوره قاجار می‌نویسد: «در طبقات اعظم همچو می‌دانند که زن به جهت اطفای حرارت شهوت ایشان خلق شده است. در حقیقت نمی‌توان گفت زنان را در این مردم چه مقام است»^۲

^۱ «لوی»، لوژن: ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶ (ایران وین: النهرین)، ترجمه و حواشی و توضیحات از علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ۱۳۶۲.

^۲ ملکم، جن: تاریخ ایران، اسماعیل حریت، تهران: کلبفروشی سعیدی، ۱۳۶۲، ج ۱، ۲۹۸.

گاسپار دروویل فرانسوی در سفرنامه خود می نویسد: «تربیت خانواده‌گی و سنت‌های دیرینه نه تنها دخترها را به انزوای دائم محکوم می کند بلکه تقریباً آنها را از مهر پدری هم محروم می کند. دخترها به محض رسیدن به سن بلوغ و حتی پیش از آن قربانی سودجویی پدر و مادرشان می شوند حتی در طبقات بسیار بالای اجتماع هم دخترها وسیله تجارت قرار می گیرند در ایران فروش دختران شوهر دادن و یا تقدیم کردن آنها به شخصیت‌های عالی رتبه از جمله پادشاه برای به دست آوردن جاه و مقام و یا جلب رضایت آنها امر رایجی است»^۱.

زنان معمولاً در سنین بسیار پایین به خانه شوهر می رفتند و مجبور به پذیرش مسئولیت‌های سنگین بودند: «معمولاً نامزدها بسیار جوان هستند. پسرین پانزده تا شانزده سال و دخترین ده تا یازده سال نامزد می شوند»^۲ دروویل در ادامه می گوید: «زن ایرانی در دوره قاجار در امر ازدواج هیچ گونه اراده‌ای ندارد»^۳ دختران از کودکی با فن همسرداری آشنا می شدند فضای فکری، فرهنگی و تربیتی زنان شهری، که آنها در آن پرورش می یافتند، چه در خانواده‌های متوسط و تهیدست و چه در خانواده‌های ثروتمند تقریباً یکسان بود و به همین دلیل چندان درصدد تغییر وضع موجود - حداقل تا بعد از مشروطه - بر نیامدند.

در مسائل حقوقی خانواده، طلاق امتیازی برای مردان محسوب می شد. سر جان ملکم انگلیسی بر این باور بود که «طلاق به دلیل مخارج آن و همچنین تقیح عمومی بسیار کم اتفاق می افتاد»^۴ مردان ایرانی در دوره قاجار می توانستند به اراده خود و بدون آنکه معنی در بین باشد زن‌هایشان را دوبار پشت سر هم طلاق دهند: «و اگر هم میلشان کشید دوباره رجوع کند اما در مرتبه سوم برای - اینکه زن بار دیگر به شوهرش تعلق بگیرد مجبور است قبلاً به ازدواج مرد دیگری در آید. یک شب را با او بگذراند و سپس مطلقه شود»^۵ اما درباره قواعد طلاق باید گفت که: «طلاق یا با توافق طرفین انجام می پذیرد یا در صورت خارج شدن زن از جاده عفاف یا بدون هیچ موجبی به محض اینکه

۱. دروویل، گاسپار: سفر در ایران، مترجم: منوچهر اعتماد مقلم، تهران: شاپور، ۱۳۶۵، ص ۵۶.

۲. گونیو، ژوزف آرتور: سه سال در آسیا، عیال رضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره، ۱۳۸۳، ص ۳۱۰.

۳. گاسپار دروویل، سفر در ایران، ص ۱۰۸.

۴. ملکم، تاریخ ایران، ج ۱، ص ۲۹۹.

۵. گاسپار دروویل، سفر در ایران، ص ۱۱۳؛ اشاره به طلاق رجعی و سه طلاق است.

شوهر آماده باشد مهریه زن را پردازد و یا در موارد بسیار نادر بر اثر شکایت زن از شوهری که در انجام تکالیف زناشویی خود غفلت کرده باشد؛ سوای مورد اخیر هیچ قانونی نمی تواند مانع فرستادن طلاق نامه از طرف شوهر شود.^۱ اگر مرد می خواست زنش را طلاق دهد باید مهرش را پرداخت می کرد و زمانی که زن می خواست طلاق بگیرد، باید مهرش را می بخشید اما «رسم است اگر بخواهند زنی را طلاق دهند آنقدر آزار و اذیتش می کنند که به جان آمده مهرش را ببخشد»^۲ در نهایت باید اشاره کرد که زنانی که از همسرانشان جدا می شدند، از داشتن هر گونه حقی نسبت به فرزندان خود محروم می شدند. فرزندان در کلیه موارد و بدون توجه به جنسیت همیشه نزد پدرشان می ماندند.^۳

شرایط حاکم و عدم فعالیت های اقتصادی، زنان را وادار می کرد هر چه بیشتر به جلب توجه همسر توجه کنند و حفظ فضای خانوادگی تمام مفهوم بودن و زندگی زنان باشد. در این فضا، زن مستقل با برنامه های معین و علایق مشخص نه تنها وجود نداشت بلکه مفهومی نیز نداشت. این جهان بسته، با خانواده شروع و به خانواده ختم می شد. به طور کلی در ارتباط با وضعیت زنان در دوره قاجار باید به این موضوع توجه داشت که به دلیل تنگ نظری های اجتماعی و وجود برخی باورهای نادرست و تعصبات غیر منطقی، نوعی نگرش به محدود کردن زنان در عرصه های سیاسی - اجتماعی مشهود و آشکار بود. زنان در دوره قاجار همچون دوره های پیشین در چارچوب نظام سستی محصور بودند و تنها در جایگاه همسر و مادر نقش ایفا می کردند. نظام خانواده، هنجارهای اجتماعی و نظام حقوقی، جهان محدودی را فراهم ساخته بود که در عمل، امکان فعالیت سیاسی و اجتماعی را به زنان نمی داد. مسیرهای از پیش تعیین شده جوامع سستی برای زن خانواده، امور مذهبی و امور خیریه بود. اما از نیمه دوم قرن نوزدهم، به ویژه در دوره ناصری حرکتهای مخالفت گرایانه با تصمیمات سیاسی کارگزاران حکومتی و عمال آنها پدیدار گردید در واقع این مخالفت ها سبب حضور و مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در کنار مردان شد.

۱. پولاکنه، یاکوب ادوارد، ایران و ایرانیان، کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۱۵۰.

۲. ملکم، تاریخ ایران، ج ۱، ص ۲۹۹.

۳. پولاکنه، ایران و ایرانیان، ص ۱۵۱.

ضرورت بررسی نوشتار «معایب الرجال» و «تأدیب النسوان»

«ضرورت بررسی جامعه‌شناسی ادبیات، مطالعه و بازخوانی متونی ناخوانده و نویافته را می‌طلبد، متونی که پیوند نزدیک‌تری با زندگی واقعی مردم داشته باشد. شاخه‌ای از ادبیات که بازتاب تعلیمات تربیتی، روابط خانوادگی و اجتماعی، سنت‌ها، باورها، آرمان‌ها، اندرزها و تجربه زیسته مردم باشد؛ این خصایص در شاخه ادبیات گسترده تعلیمی پررنگ‌تر است. شناخت گذشته جامعه از راه شناخت ادبیات و نوشته‌های پیشینیان امکان‌پذیر است، گذشتگانی که در نوشته‌های خود آشکارا و گاه به اشاره شرایط تاریخی، اجتماعی، ارزش‌ها، و سفارش‌های اجتماعی، شیوه تعلیم و تربیت، پویایی یا ایستایی جامعه، قوانین و واقعیت‌های اجتماعی را تصویر کردند و بر فرهنگ جامعه تأثیر گذار بودند.»^۱ متأسفانه همواره در میان متون سفارشی و سلسله‌ای، جایگاه کمی برای تاریخ اجتماعی، به خصوص نگاه به زندگی زنان وجود داشت. عوامل گوناگون سبب عدم نگارش احوال و اوضاع اجتماعی و فردی زنان بود که به پاره‌ای از آنان در بالا اشاره شد. از این رو کمبود منابع در زمینه مطالعات زنان انگیزه پژوهش در گنجینه دست‌نوشته‌های فارسی شد تا بتوان تصویر واقعی زن ایرانی را از لایه‌های صفحات فراموش شده و غبار گرفته این متون باز یافت و جایگاه و نقش او را دریافت.

بازخوانی ادبیات با رویکردی منطقی - تحلیلی، زوایای مختلف جامعه و زندگی را نمایان می‌سازد. هدف از تصحیح متونی در موضوع حکمت عملی (تدبیر منزل) و ادبیات تعلیمی، ترویج سنت‌های کهنه، نفی و اثبات آنها و گذشته‌گرایی نیست، بلکه نگاهی از آثار گذشتگان و شناختی بر اساس تفکر و تاریخ است. ارزش و اهمیت این دستویس‌های قدیمی را باید از منظر تاریخی، جامعه‌شناسی، ادبی، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، روانشناسی و ... بررسی کرد تا سیر دگرگونی اجتماعی و گذر از گذشته تا اکنون تاریخ هر چه مستندتر و علمی‌تر نشان داده شود. اگر چه اغلب این نوشته‌ها محصول جوامعی ایستا، خردگرای و ستی است. این متون میراث فرهنگی است که

۱. کراچی، روح‌انگیز: هشت‌ساله در میان احوال زنان (۱۳۰۰ تا ۱۳۶۳ هجری قمری)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

جهان‌بینی ایرانی، باورها و اعتقادات و تجربه‌پیشینیان را روشن می‌کند و تصویری شفاف از زندگی مردم، اندیشه، عقیده، ویژگی رفتاری، تعلیمات تربیتی و تاریخ اجتماعی را نشان می‌دهد. «بازنویسی نسخه‌های خطی و تحلیل جامعه‌شناختی این آثار منابعی دقیق در اختیار پژوهشگران و جامعه‌شناسان قرار می‌دهد تا تاریخ اجتماعی ایران را به دور از اظهارنظرهای علمی، مغرضانه، یک‌جانبه و کلی-گویی با روش علمی و به روشنی بنویسند. باید دانست که تاریخ اجتماعی زنان و مطالعه نقش و تصویر زن در جامعه ایران از طریق بررسی ادبیات تعلیمی امکان‌پذیرتر از بررسی ادبیات حماسی، غنایی و یا عرفانی است؛ زیرا ادبیات حماسی به سبب آمیختگی آن با اسطوره، تخیل و حوادث فراواقعی و ادبیات غنایی با نگاه سخت عاطفی، احساسی و خیال‌پردازی‌های عاشقانه و واقعیت‌گریز آن و ادبیات عرفانی با خصوصیت رویگردانی از امور ظاهری زندگی و تمایل به شناخت درون منابعی مفید در این موضوع نیستند، اما ادبیات تعلیمی به دلیل رویکرد واقعی به جامعه و توجه نویسنده به رابطه انسان با محیط تأکید بر قراردادهای اجتماعی در قالب زمان و مکانی مشخص و الگوهای رفتاری و طرح دیدگاه‌های نویسنده به صورت اندرز، آموزش، توصیه، انتقال تجربه و نشان دادن تصویری واقعی از طبقات مختلف جامعه و روابط آنها با یکدیگر می‌تواند در حوزه جامعه‌شناسی یکی از بهترین مآخذ در شناخت مسائل مربوط به زن در جامعه ایران باشد. از آنجا که ادبیات اندرزی - تعلیمی بازگوکننده افکار و ذهنیت مردان در گذشته‌ها است، ما را به راحتی به ساحت فکری، نوع ارتباط و روحیه مردان ایرانی نزدیک می‌کند تا نظام خانواده، شیوه زندگی، نوع رفتار، روابط زن و مرد و وضعیت اجتماعی زن ایرانی را به خوبی درک کنیم»^۱

چگونگی رفتار با زنان از موضوعاتی است که در اغلب متون ادبی تعلیمی به آن پرداخته شده است. سیر تحول اخلاق و مفاهیم تعلیمی از اندرزنامه‌های بازمانده از فارسی میانه تا فارسی جدید مانند گاری این سنت اخلاقی را در دوران مختلف تاریخ ایران نشان می‌دهد و حکایت از نظام استبدادی است که این اقتداد و اعتراض را بر نمی‌تافت. اندرزگویی روشی بود تا بسیاری از خواسته‌ها و مطالبات از این راه به نتیجه برسد. از این رو حجم فراوانی از آثار مکتوب فارسی به ادبیات اخلاقی و تعلیمی اختصاص دارد. در دوره ناصرالدین شاه به دلیل آشنایی ایرانیان با غرب، در طبقات خاصی از جامعه تمایل برای تغییر الگوی سستی به خصوص در رابطه با چگونگی رفتار با

۱. کراچی، هشت رساله در بیان احوال زنان، مقدمه.

زنان به وجود آمد. احتمالاً نخستین اثر مکتوبی که در این باره نوشته شده «سلوک و سیرت زن» باشد، نوشته بی‌عنوانی که دیگران این نام را بر آن گذاشته‌اند.^۱ این نوشته‌های زن‌ستیز، مبارزه‌ای بود برای جلوگیری از گنار زنان از جامعه اندرون به جامعه بیرون و متأسفانه اغلب با نگاهی مغرضانه، غیرمؤدبانه و نامعقول نوشته شده‌اند. این کتابچه‌ها به لحاظ ادبی ارزش چندانی ندارد شیوه گفتار عامیانه و سبک است، اما به لحاظ جامعه‌شناسی، تاریخی، بازتاب شرایط اجتماعی و فرهنگی دوره ناصری است به خصوص در رابطه با اقتدار مرد و ناتوانی زن و ارتباط حاکم و محکومی میان زن و مرد، که برای نسل‌های بعدی و شناخت تاریخ اجتماعی ارزشمند است.

^۱ رجوع کنید به: کرابچی، روح‌الکبیر، خشونت مشفقانه روایتی از مردسالاری دوران ناصری، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ اول.

معرفی نسخه

مجموعه پیش رو، از دو نوشتار دوره قاجار به نام «تأدیب النسوان» که پیش از خوانش این نسخه، نویسنده آن را نمی‌شناختیم و اکنون می‌دانیم که او خاتر میرزا احتشام‌الدوله^۱ فرزند عباس میرزا نایب‌السلطنه بوده است، و جواب آن یعنی «تأدیب الرجال»، از مؤلفی ناشناس است.

در دهه پسین پادشاهی ناصرالدین شاه کتاب کوچکی به نام «تأدیب النسوان» در تهران به چاپ رسید که آکله از بدگویی و بدخواهی نسبت به زنان بود. این کتاب در سال ۱۳۰۶ ه.ق (۱۸۸۹ م) به فرانسه ترجمه شد و به چاپ رسید. ۲۸ سال بعد، ترجمه انگلیسی آن هم انتشار یافت. گویا به روسی و ترکی عثمانی نیز ترجمه شده باشد.^۲ اما نه در نسخه‌های خطی و نه در نسخه‌های چاپی و ترجمه‌های آن، نامی از نویسنده زن‌ستیز نیامده است. تنها، در مقدمه ترجمه فرانسه اشاره کرده‌اند که وی از شاهزادگان قاجار بوده است.

^۱ ختم روح‌نگیز کراچی در مقاله تحت‌عنوان «نویسنده اصلی «تأدیب‌النسوان» کیست؟» به روش تحلیل محتوا توانست نویسنده زن‌ستیز را بشناسد اما در هیچ‌کدام از ۶۲ نسخه خطی مطالعه شده به جز نسخه پیش رونام خاتر میرزا احتشام‌السلطنه به وضوح نیامده است. رجوع کنید: کراچی، روح‌نگیز، نویسنده اصلی «تأدیب‌النسوان» کیست؟، تاریخ ادبیات (مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی)، ۳۶۵ (تابستان ۱۳۸۹)، ۲۰۸-۱۹۹.

^۲ گپایگنی، مهنی، «تأدیب‌النسوان» بی‌جا، شماره کابشناسی ملی، ۳۳۸۵.

La femme persane/ jugée et critiquée par un persan; traduction
annnotée du Teedib -el-Nisvan par G. Audibert Paris: E. Leroux,
۱۸۸۹

و آموزش و پرورش همسران، شماره کابشناسی ملی، ۱۸۹۶۵۸

The education of wives, translated by b.powys mathers, john rodker,
London, ۱۹۲۷

یگانه پاسخ شناخته شده به این کتاب، «معایبالرجال» اثر بی بی خاتم استرآبادی^۱ بود، یکی از چهار نسخه خطی موجود آن نخستین بار به وسیله فریدون آدمیت و هما ناطق معرفی شد.^۲ در بهار ۱۳۷۱ ش «تأدیبالنسون» و «معایبالرجال» در یک مجلد ذیل عنوان «رویارویی زن و مرد در عصر قاجار» و در تابستان همان سال جداگانه «معایبالرجال» در آمریکا انتشار یافت.^۳

با آنکه هر دو کتاب - به ویژه چاپ مستقل «معایبالرجال» - دارای مقدمه و شرح و حواشی مفصل است، اما در هیچ یک از آنها به احتمال وجود پاسخ یا پاسخ های دیگری به «تأدیبالنسون» اشاره نشده و کوششی نیز برای شناسایی شاهزاده قاجاری زن ستیز «تأدیبالنسون» به عمل نیامده است. خوشبختانه اکنون رساله دیگری در دست است که علاوه بر آنکه نسخه دیگری از «تأدیبال-

^۱ بی بی خاتم استرآبادی حاصل ازدواج خدیجه ملاباجی ناصرالدین شاه و محمداقبرخان سرکرده ایل ازنان مازندران است. محمداقبرخان در یکی از سفرهای ناصرالدین شاه به مازندران با دلآوری شیری را از یاد آورد و لقب شیرکش گرفت و در رکاب شاه به پایتخت آمد و به سمت ایشیک آقاسی یاشی منسوب شد. محمداقبر با ملاباجی آشنا شد و از شاه اجازه ازدواج با او را گرفت و با هم ازدواج کردند و به روسای نوکده از روستاهای بزرگ از توابع استرآباد رفتند بی و برادرش حسن علی در نوکده به دنیا آمدند، اما مادرشان خدیجه علاقه ای به تلاموز ازدواجش نداشت زیرا باقبرخان شیرکش پنج زن دیگر هم داشت. خدیجه پس از مدتی موفق می شود خننه همسر را با دو فرزندش به بهانه زیارت کربلا ترک کند اما از کربلا به تهران می آید و مجدداً به دربار می رود و به شغل ملاباجی دربار مشغول می شود. دو سال بعد محمداقبرخان در اختلافات قومی کشته می شود و خدیجه دیگر هرگز به مازندران بازمی گردد. بی بی در دربار درس می خواند و بزرگ می شود تا آنکه با افسر جوانی از اهالی قفقاز که به تهران مهاجرت کرده بود، به نام موسی خان وزیراف آشنا شد. این دو به هم علاقه مند شدند و چون خدیجه باجی با وصالشان مخالف بود بی بی از خننه می گریزد و با موسی خان ازدواج می کند.

^۲ آدمیت، فریدون و هما ناطق: تفکر اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، تهران: انتشارات آگه، ۱۳۵۶، صص ۲۷-۲۲.

^۳ رویای زن و مرد در عصر قاجار: دو رساله «تأدیبالنسون» و «معایبالرجال» به کوشش دکتر حسن جوادی و منیژه مرعشی و سیمین شکرلو، کلو پژوهش تاریخ زنان ایران و شرکت جهان، سن خوزه (کالیفرنیا)، تابستان ۱۳۷۱، در ۲۰۶ صفحه تلون گشته است. استرآبادی، بی بی خاتم: «معایبالرجال» و برستار: افسانه نجم آبادی، نیویورک، کتون پرورش تاریخ زنان ایران و شرکت جهان، ۱۳۷۱، در ۲۲۰ صفحه فارسی و ۲۹ صفحه ترجمه انگلیسی تلون گشته است.

النسوان» را نمایان می‌کند؛ رساله معرفی نشده «تأدیب الرجال» را نیز در بردارد که علاوه بر اهمیت خود رساله نویسنده کتاب نخست نیز شناسانده شده است.^۱

در نسخه مورد بازخوانی در این کتاب، همانند «تأدیب النسوان» و «معایب الرجال» ابتدا «تأدیب- النسوان» را نوشته‌اند، تاریخ ختم کتبت آن ربيع الثانی ۱۳۱۸ هـ.ق - امرداد ۱۲۷۹ ش/اگوست ۱۹۰۰ - ذکر شده است. سپس «تأدیب الرجال» در ۳۸ صفحه آمده است که تاریخ کتبت ندارد. بانوی نویسنده، ناصرالدین شاه را به عنوان پادشاه وقت ستوده و در حق او دعا کرده است «که دولتش به قائم آل محمد رسد». در سال ۱۳۰۶ ق - ۱۲۶۷ ش/ ۱۸۸۸ م - اودیر^۲ در مقدمه ترجمه «تأدیب- النسوان» به پاسخ نامه یکی از زنان اندرون اشاره کرده است. وی از این پاسخنامه با عنوان «تعديل الرجال» نام برده که به گمان استاد ناصرالدین پروین صورت نادرست «تأدیب الرجال» است. بنابراین نگارش رساله مورد بحث را باید مقدم بر «معایب الرجال» انگاشت؛ زیرا بی‌بی خاتم نویسنده رساله «معایب الرجال» مخمسی (پنج بی‌بی) را که در مدح امین السلطان سروده در آغاز رساله آورده است^۳ و می‌دانیم که امین السلطان به سال ۱۳۱۰ هـ.ق - ۱۲۷۱ ش/ ۱۸۹۲ م - صدراعظم خوانده شد و پیش از آن عنوان او وزیر اعظم بود.

بانوی نویسنده «تأدیب الرجال» خود را معرفی نمی‌کند اما می‌نویسد که در بیست سالگی به عقد مردی هشتاد ساله درآمده است؛ یعنی خلاف بی‌بی خاتم استرآبادی نویسنده «معایب الرجال» که با مردی جوان‌تر از خود پیوند زناشویی بست. از سوی دیگر اگر به راستی «تعديل الرجال» همان «تأدیب الرجال» باشد بانوی نویسنده از زنان اندرون بوده است.

جز این، اگر چه با دو نوشتار مختلف رو به رو هستیم، استدلال‌های آن دو زن همانندی‌هایی دارد. جالب این است که هر دو تقریباً به یک نحو با «تأدیب النسوان» آشنایی یافته‌اند.

^۱ نسخه پیش‌رو از آن ضریح‌الله میرزا رفعت‌الدوله فرزند محمدتقی میرزا رکن‌الدوله فرامهرمای خراسان بوده که توسط دکتر ناصرالدین پروین در اختیار انجمن قرار داده شده است. مقاله ایشان با عنوان «تأدیب الرجال» پاسخ به تأدیب‌النسوان زنتیوز^۱ در مجموعه گزله خورشید، یادنامه بانو راضیه دانشیان (گلین) چاپ شده است. بخش معرفی نسخه در مقدمه اقتباس از مقاله ایشان است که تنها توضیحات و حواشی به آن توسط مصحح اضافه گردیده است.

^۲ La femme persane, p ۷

^۳ جواد، «تفصیل در مدح حضرت مستطاب اجل اکرم اختم صدراعظم»، روایری زن و مرد در عصر قاجار، ص ۱۰۹-۱۰۷.

بی‌بی خاتم‌السترآبادی می‌نویسد در یک مهمانی زنانه کتاب زن‌ستیز را دیده و درصدد پاسخگویی برآمده است.^۱ نویسنده «تأدیب الرجال» نیز شیه همین ماجرا را بیان می‌کند: «در این ایام عید به خانه یکی از خویشان رفتم. کتابی در آنجا ملاحظه شد، تأدیب‌النسوانش خواندم».

«تأدیب الرجال» مجلس‌های «معایب الرجال» و فصل‌بندی «تأدیب‌النسوان» را ندارد، ولی با ایجاز و اختصار به یکایک ایرادهای نویسنده کتاب اخیر پاسخ می‌دهد و پلیدی‌ها و پلشتی‌های مردان وابسته به طبقه مرفه آن روزگار را برمی‌شمارد. بانوی نویسنده بی‌پرده سخن می‌گوید و همچون بی‌بی خاتم واژه‌های ناشایست را هر جا که حاجت افتد به کار می‌برد.

در برگه‌های دوم و سوم «تأدیب الرجال» به روشنی نام، لقب و مقام نویسنده «تأدیب‌النسوان» آمده است: «آن شخص که این کتاب را گفت از خود نگفت، مرحوم خاتلم میرزا احتشام‌الدوله گفته بود (...) آن وقتی که مرحوم احتشام‌الدوله این کتاب را گفت، ایام قدیم بود». در برگ یست و هشتم هم از او یاد شده: «نصیحت برای همان ایام احتشام‌الدوله بوده است که قدیم بود». خاتلم میرزا احتشام‌الدوله هفدهمین پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه است.^۲ وی در ۱۲۵۱ م.ق و در زمان محمدشاه قاجار و در زمان صدارت حاج میرزا آقاسی حاکم یزد بود او در سال ۱۲۵۳ م.ق معزول و حاکم کرمان شد، سال ۱۲۵۶ م.ق مردم از او شکایت کردند و او را از کرمان برداشته حاکم همدان کردند. مدتی حاکم آنجا بود و دو ماه پیش از فوت محمدشاه به حکومت مازندران منصوب شد. در ۱۲۶۴ م.ق حاکم بروجرد لرستان، خوزستان، گلپایگان، خواسار و بختیاری بود. در زمان ناصرالدین شاه و در سال ۱۲۶۸ م.ق ملقب به احتشام‌الدوله شد. در ۱۲۷۳ م.ق در جنگ ایران و انگلیس (جنگ محمره) فرمانده کل قوا بود، که شکست خورد. در پایان این جنگ خاتلم میرزا از قرار هر سرباز یک تومانی مبلغ هشت هزار تومان به میرزا آقاخان نوری صدراعظم هدیه داد تا خطاهایش در این جنگ نادیده گرفته شود. ناصرالدین شاه نیز به جای تنبیه او یک قبضه شمشیر مرصع و یک جبه ترمه خلعت داد. وی دو سال بعد (۱۲۷۵ م.ق) به حکومت اصفهان منصوب کرد. خاتلم میرزا در

^۱ همان، ص ۱۱۴.

^۲ سپهر، محمدتقی: ناسخ‌التواریخ تاریخ قاجار، به اهتمام جمشید کیفر، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۲۴.

۱۲۷۸مق در گذشت. ^۱ از این نویسنده کتابچه دیگری نیز در باب جنگ ایران و انگلیس در محمره باقی مانده است. ^۲ از این رو خلاف آن چه نوشته‌اند «تأدیب‌النسوان» نه در اواخر دوره ناصرالدین شاه ^۳ بلکه در نیمه نخست پادشاهی او نوشته شده است. نویسنده «تأدیب‌الرجال» همچنان که ملاحظه شد، «تأدیب‌النسوان» را نوشته‌ای قدیم خوانده است. /

روش تصحیح

در ابتدا نسخه نویافته استساخ، سپس با نسخه «تأدیب‌النسوان» آداب و معاشرت زنان و در بیان «تأدیب‌زنان» ^۴ که پیش از این چاپ گردیده است، مقایسه و تصحیح قیاسی انجام گرفت. به لحاظ مفهومی این دو نسخه تفاوت چندانی با هم نداشتند، تنها در مورد بحث نگارش و استفاده از برخی از واژگان تفاوت‌هایی با نسخه‌های دیگر «تأدیب‌النسوان» داشت که البته این تفاوت‌ها تغییری در مفهوم و محتوای کتاب ایجاد نمی‌کرد. نسخه «تأدیب‌الرجال» نیز پس از بازخوانی با نسخه «معایب‌الرجال» بی‌بی خاتم مقایسه گردید؛ این دو نسخه نیز در بسیاری از موارد هم‌محتوا بودند.

^۱ بلمداد مهدی: شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران، کلبه‌روشی و انتشارات زولو، ۱۳۷۱، ج ۱، صص ۶۷۵-۶۷۳.

۶۷۳.

^۲ علی‌رضا کمری، بازیابی یک وقعه‌خرم شهر ۱۲۷۳مق: کتبچه مرحوم خطیر میرزای احتشام‌الدوله در باب جنگ ایران و انگلیس در محمره، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۷۵، صص ۹۶-۸۴.

^۳ استرآبادی، معایب‌الرجال (چاپی)، پیشگفتار ص ۳. کراچی، در نکوهش مردان زن‌ستیز، ص ۵۳.

^۴ نسخه ۱- رویایی زن و مرد در عصر قاجار: دو رساله «تأدیب‌النسوان» و «معایب‌الرجال» به کوشش دکتر حسن جوادی و منیژه مرعشی و سیمین شکرلو، کلون پژوهش تاریخ زنان ایران و شرکت جهان سن خوزه (کلیفرنیا)، تلبستان ۱۳۷۱؛ نسخه ۲- آداب معاشرت زنان (پیش از ۱۲۷۸مق)؛ نسخه ۳- هشتم رسال در بیان احوال زنان از ۱۰۰۰ تا ۱۳۱۳ هجری قمری، گردآورنده و مصحح: روح‌لگیر کراچی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.

نسخه‌هایی که در پاتویس به شماره کتابشناسی ملی آنها اشاره شده است متونی هستند که تجدید چاپ نگردیده و در فهرست نویسی کتونی کتابخانه ملی ایران قرار ندارند دسترسی به این متون به وسیله شماره کتابشناسی ملی مقلودر است.

اشعاری در متن کتاب استفاده شده است، برخی از آنان که دسترسی به کتاب آنها آسان بود به کتاب ارجاع داده شده است، در غیر این صورت با استفاده از سایت ادبی گنجور، شاعر برخی از آنها شناسایی شده است. تعدادی از اشعار منسوب به شاعران هستند و در دیوان‌های آنها موجود نیست، ایاتی نیز شاعر آنها شناسایی نشده و بدون ارجاع هستند.

در بازخوانی و نگارش متن سعی شده رسم الخط تعریف شده توسط دایرةالمعارف رعایت شود. نویسنده کلماتی همچون خوانیدن و برخاستن را در قسمت‌هایی به صورت «خاییدن» و «برخواستن» نگاشته بود که توسط مصحح تصحیح شده و در پاورقی به آنها اشاره شده است. در قسمت‌هایی از کتاب از الفاظی استفاده شده است مصحح معذور از نگارش آنها بود و به جای آنها از «...» استفاده کرده است.

در پایان باید گفت که خوانش و تصحیح این متون به مترله تأیید نگاه و شیوه نگارش اینگونه آثار نیست؛ بلکه تنها تلاشی برای بازنمایی شرایط اجتماعی زنان در دوره قاجار می‌باشد تا پژوهشگران رشته‌های مختلف علوم انسانی و کجکاوان نسبت به گذشته نه چندان دور تاریخ از آن بهره ببرند. بر خود لازم می‌دانیم از عزیزی که مصححان را در فراهم آوردن این اثر یاری دادند قدر دانی شود. جناب دکتر ناصرالدین پروین که با در اختیار گذاشتن نسخه و نکات ارزنده اسباب نگارش این کتاب بودند و سرکار خاتم پریسا سنجابی که نکات ارزنده‌ای درباره چگونگی تدوین این نوع کتاب یادآور شدند.

شقایق فتحعلی زاده

رقیه آقابالا زاده

مشخصات نسخه

مشخصات «تأديب النسوان»

مولف: خاتلر میرزا احتشام الدوله

خط: نستعلیق

تاریخ: ربیع الثانی ۱۳۱۸ هـ ق

آغاز: معشوقی را سپاس در خور که بی شایه غرض و بی احتمال مقصود، محض پدید آوری
فروغ عشق ...

انجام: تمت النسخه المسماة بتأديب النسوان فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۱۸ هـ ق

مشخصات تأديب الرجال

عنوان: تأديب الرجال

مولف: نامشخص

خط: نستعلیق

تاریخ: بی تا

آغاز:

در آن سینه دلی وان دل همه سوز
دل افسرده غیر از آب و گل نیست
زبانم کن به گفتن آتش آلود
کجا فکر و کجا گنجینه راز

الاهی سینه ای ده آتش افروز
هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست
دل پر شعله گردان، سینه پر دود
اگر لطف تو نبود پرتو اتلاز

انجام: ای بسا عیش که با بخت خدا داده کم چون که بدین پایه رساندم کلام، به که کم ختم
سخن والسلام.